

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۸

جمعه ۱ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۱ آپریل ۲۰۱۷

کارگران،

برای روز جهانی کارگر آماده شوید!

صفحه ۳

صدای آتنا دائمی باشیم!

صفحه ۷

جرم آتنا دائمی،

دفاع از آزادیخواهی و انسانی

آتنا دائمی شایسته وسیعترین حمایت هاست

صفحه ۷

علیه ترامپیسیم، علیه اسلامیسیم،

برای رهایی از کاپیتالیسم!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

بازی انتخاباتی در ایران!

کاظم نیکخواه



توسط شورای نگهبان رد صلاحیت میشوند. چونکه الان با باند معینی نیستند. جالب اینست که بالاترین مقامات سابق حکومت مثل رئیس جمهورهای سابق و نمایندگان سابق مجلس اسلامی و شهردار و فرماندار و برخی آیت الله ها هم رد صلاحیت میشوند! تازه بعد از همه این رد کردنها و محدود و ممنوع کردنها، این صندوق رای نیست که تصمیم میگیرد. بلکه نهایتا همان چهار پنچ نفر شورای نگهبان و خامنه ای ها هستند که تصمیم میگیرند چه کسی از صندوق بیرون بیاید. تازه آنکس که رئیس جمهور

واژه انتخابات در جمهوری اسلامی بی ربط ترین واژه است. احزاب سیاسی مخالف روشن است که حق انتخاب شدن و انتخاب کردن ندارند. زنان حق کاندید شدن ندارند. مردم عادی که هیچ، حتی از موافقان و مدافعان و سینه چاکان شناخته شده حکومت خیلی ها حق انتخاب شدن ندارند. یعنی اگر کاندید شوند رد صلاحیت میشوند. خیلی هایشان کارنامه جنایات بسیاری را در سالهای گذشته در رکاب حکومت دارند اما هنوز

میشود هرکس باشد چه گلی میخواهد بسر جامعه بزند؟ میخواهد يك سیستم کثیف دزدی و جنایت و تحجر اسلامی را چهار سال دیگر سرپا نگاه دارد.

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

با اعلام خواستهایمان به استقبال روز جهانی کارگر میرویم

شهلا دانشفر

صفحه ۶

رفراندم تغییرات در قانون اساسی ترکیه

زمینه ها و عواقب سیاسی

گفتگو با محسن ابراهیمی

صفحه ۵

در مورد انتخابات فرانسه

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۰

آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان

سیاسی، یک خواست مهم در اول مه

صفحه ۸

تلفات بیشتر سیل و ادامه بی مسئولیتی حکومت!

باید با تجمع در مقابل نهادهای حکومتی اعتراض کرد!

سیل در آذربایجان دهها قربانی گرفت!

حکومت اسلامی مسئول تلفات سنگین است!

صفحه ۳

زیر بار ستم نمیکنیم زندگرم



پیش به سوی
روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

بازی انتخاباتی در ایران!

از صفحه ۶

حکومت اسلامی واقعا حکومت مفتخوران کله خشکی است که مردم را صغیر و گله فرض میکنند. عقب مانده ترین جماعت بر بالای سربک جامعه مدرن قرن بیستمی قرار گرفته اند و مثل داعش میخواهند جامعه را به عهد عتیق و سنت قبایل هزار سال قبل عریستان عقب بکشاند. اما جالب است که هر چه بیشتر تلاش کرده اند، بیشتر شکست خورده اند. جنایت زیاد میکنند اما مردم برایشان تره هم خرد نمیکند. نه مذهب و اسلامشان را کسی رعایت میکند، نه دستورات و حرام و حلالهایشان را. مردم انسانند، مدرنند، میخواهند در قرن بیست و یکم زندگی کنند و رفاه و شادی و آزادی را حق خود میدانند و از آخوند و مذهب و تحکم و تحجر و تبعیض

متنفرند.

مردم ایران انتخابات کذایی حکومت را هم در همین چارچوب می بینند، یعنی کسی نه توهمی به روحانی دارد و نه تردیدی در جنایت کاری رئیسی و بقیه. مردم ایران حتی کودکان میدانند و طی این سالها دیده اند که این ها چه موجودات خبیثی هستند. اما متأسفانه هنوز بخشی از مردم این حسابگرها را از دوخردایها و روحانی چی ها و توده ای ها باور میکنند که اگر این یکی بیاید از آن یکی بهتر است. گویا جز انتخاب میان بد و بدتر راه دیگری برای مردم نیست. این اشتباه محض است.

مساله مهم اینست که باور کنیم که انتخابات این ها را میتوان به یک شکست سیاسی برای حکومت اسلامی تبدیل کرد. در عمل فرقی میان این آخوندها و جنایتکاران اسلامی نیست. همه ماهیتا

جنایتکارند. هر کدام سر کار بیاید این اوضاع جامعه است که تعیین میکند چه سیاستی در پیش بگیرد. هر چه توازن قوا به نفع مردم باشد حکومتی ها حتی جنایتکارترینشان قدرت سرکوشان کمتر میشود. بیادیم که وقتی احمدی نژاد سرکار آمد میخواست بزند و ببنند و سرکوب کند. دولتش همه یک گله از نظامی کارها و شکنجه گران و تیر خلاص زندهای شناخته شده و حرفه ای حکومت بودند. اما چه شد؟ از همان ابتدا با سد مبارزه و نفرت مردم مواجه شد و مجبور شد برای خود خامنه ای لگبیرانی کند. ما باید کاری کنیم که انتخابات این ها بی رونق باشد. باید پای صندوقهایشان را خالی کنیم. باید بدانیم که یک انتخابات بی رونق یعنی شکست حکومت و توازن را به نفع ما تغییر خواهد داد. موضع مردم را تقویت خواهد کرد. حتما یک مشت بسیجی و پاسدار را پای صندقها میکشاند اما نمیتواند

ادعا کنند که مردم به آنها رای داده اند. و برعکس اگر حکومت بتواند نشان دهد که تنور انتخاباتش گرم شده است، مهر تاییدی برای حکومت گرفته است و جرات و جسارت و تعرضش بیشتر میشود. این منطق ساده اوضاع در ایران است. ما مردم باید این را ببینیم و بر اساس آن عمل کنیم. ممکن است کسی بگوید این درست است ولی نمیتوانیم کاری کنیم. بحث بسادگی اینست که اول منطق اوضاع را بدانیم و باور کنیم. آن وقت حتما میتوانیم کاری موثر انجام دهیم. با

منطق اشتباه نتیجه مثل همیشه قطعا اشتباه خواهد بود. نباید دنبال تبلیغات دو خردایها و روحانی چی ها و انجمن اسلامی ها و خانه کارگری ها و توده ای ها افتاد که میخواهند فضای انتخابات را به نفع حکومت داغ کنند. اینها سی چهل سال است که وانمود میکنند رای دادن به نفع یک جناح واقعی ترین و امکان پذیر ترین کاری است که میشود کرد. باید محکم به همه اینها نه گفت و انتخابات حکومت را بطور واقعی به یک شکست برای حکومت اسلامی تبدیل کرد.



علیه ترامپ، علیه اسلامیس، برای رهایی از کاپیتالیسم!

اول ماه مه روز اتحاد کارگران جهان، روز همه زنان و مردانی است که نفعی در حفظ وضع موجود ندارند و به صف جهانی کارگران برای رهایی همه انسانها ملحق میشوند. در آمریکا برخی اتحادیه های کارگری روز اول مه ۲۰۱۷ را روز اعتصاب عمومی علیه ترامپ و بویژه سیاست های راسیستی و ضد کارگران خارجی او اعلام کرده اند. انتظار می رود اعتصاب اول مه در آمریکا به یک حرکت تاریخی و وسیع تبدیل شود. این فرصتی برای پیشروی طبقه کارگر و "۹۹ درصدی ها" نه فقط علیه ترامپ بلکه علیه هر دو حزب حاکم بورژوازی در آمریکا است.

در ایران اول مه در شرایطی فرا میرسد که همه بخش های طبقه کارگر اعم از کارگران کارخانه ها، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و غیره یک سال شکوهمند از اعتصابات و تظاهرات های وسیع برای خواست اصلی شان "معیشت و منزلت" را پشت سر گذاشتند. در

سال گذشته اقدام مشترک تشکل های معلمان و کارگران در مقابله با بستن "جرم تهدید امنیت ملی" به فعالین کارگری و معلمان به یک حرکت پرشور تبدیل شد و جامعه ایران را متوجه خود کرد. اول مه، روز جهانی کارگر امسال بی شک فرصتی است برای گسترش مبارزه برای خواستهای بلافصل و ابراز وجود بیش از پیش طبقه کارگر به عنوان نیرویی که میتواند جامعه ایران را از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داری رها کند.

اما آمریکا یا ایران تنها نمونه هایی کمابیش خصلت نما از جهان بورژوازی بحران زده امروز است. از اروپایی که احزاب راسیستی و ناسیونالیستی نوع ترامپ سربر می آورند، تا روسیه تحت سلطه پوتین، این الهام بخش ترامپ، تا چین بهشت سرمایه های بین المللی، تا هندوستان که شاهد بزرگترین اعتصاب تاریخ بود، تا کشورهای آمریکای لاتین و تا منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلام زده که

مستقما درگیر ارتجاع اسلامی است، همه جا در اول مه علاوه بر خواست ها و مطالبات مشخص باید پرچم رهایی بشر از شر سرمایه داری که هر روز وحشی تر و ارتجاعی تر از روز قبل میشود را برافراشت.

حزب کمونیست کارگری همراه کارگران دنیا و بازو در بازوی کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و همه اقشار طبقه کارگر ایران برای رهایی هر چه با شکوهتر اول مه

میکوشد. این روزی برای برپایی اجتماع، تظاهرات، اعتصاب، همایش، جشن، و دیگر اشکال ابراز وجود اجتماعی جهت اعلام خواستهای اقتصادی و سیاسی و تحکیم اتحاد کارگران و همه مردمان شریف در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه سرمایه داری است. بویژه اکنون که تحت تاثیر اوضاع جهانی و تناقضات درونی، بحران جمهوری اسلامی بیش از پیش تشدید میشود، بسیار

ضروری است تا طبقه کارگر بعنوان یک نیروی سیاسی رهایی بخش با تمام قامت قد علم کند. حزب ما اول ماه مه امسال را فرصتی برای پیشروی در این جهت میداند و همه مردم ایران را دعوت میکند تا به صف کارگران بپیوندند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فروردین ۱۳۹۶، ۱۷ مه
۲۰۱۷

99% s' May day

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

کارگران، برای روز جهانی کارگر آماده شوید!

تلفات بیشتر سیل و ادامه بی مسئولیتی حکومت! باید با تجمع در مقابل نهادهای حکومتی اعتراض کرد!

مردم شریف سیل زده،

فقط با گوشه کوچکی از اختلاسها و بچاپ و بچاپها و دزدیهای حکومتی میتوان بازماندگان سیل را از يك زندگی انسانی برخوردار کرد. کلیه خسارات وارده به شما باید از طرف دولت جبران شود. اما بدون اعتراض متحد شما این حکومت کوچکترین کاری برای مردم انجام نمیدهد. باید قبل از اینکه دیر شود به هر شکلی به حکومت اسلامی فشار آورد. باید با تجمعات اعتراضی در مقابل نهادهای حکومتی، با تجمع در مقابل استانداردها و فرماندارها، دولت و مقاماتش را وادار کنیم همه خسارات ناشی از سیل را جبران کنند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ فروردین ۱۳۹۶ برابر با ۱۸ آوریل ۲۰۱۷

سیل در آذربایجان دهها قربانی گرفت!

حکومت اسلامی مسئول تلفات سنگین است!

حوادث را با کمترین خسارات سپری کرد. البته بشرطی که مسئولین و اداره کنندگان جامعه و دولت در قبال جامعه و زندگی انسانها مسئول باشند و به جان و معیشت مردم اهمیت بدهند.

در رژیم جمهوری اسلامی نه تنها این خبرها نیست بلکه خود این حکومت با پروژه های اقتصادی مختلف که انگیزه اصلیش ثروت اندوزی است، پروژه هایی که نقش فعال در تخریب وضعیت زیست محیطی مناطق مختلف کشور از جمله آذربایجان داشته اند در تلفات بالا و خسارات سنگین در چنین شرایطی نقش اصلی را دارد.

در این نظام، به جای ساختن پلهای محکم، ساختن سدهای محکم برای حفاظت از زندگی مردم و مستحکم کردن خانه و کاشانه مردم ثروت جامعه خرج گله های مختلف امامان جمعه و آخوند و سپاه و غیره

خبرها حاکی از افزایش تعداد تلفات جانی و خسارات دیگر سیل در استانهای شمال غرب و شمال کشور است. ابعاد جغرافیایی سیل هم بسیار وسیعتر از گزارشهای اولیه است. در مناطق مختلف استانهای آذربایجان، کردستان و زنجان مثل عجبشیر و آذرشهر و اشونیه و سقر و پانه مردم عزیزان زیادی را از دست داده اند و ویرانیهای سنگینی بر خانه و کاشانه و مزارع خود متحمل شده اند.

مقامات حکومت نه تنها به داد مردم نمی رسند بلکه حتی از آمار جانباختگان هم گزارش درستی به مردم نمیدهند. مثل همیشه دهها خبر متناقض از نهادهای حکومتی پخش میشود.

اهالی حاضر در محل با صدای بلند در ویدیو کلیپهایی که منتشر کرده اند مستقیماً مسئولین و مقامات رژیم را مسئول میدانند. در حالی که در رسانه های رسمی همین

بنا به خبر های مندرج در رسانه های مختلف داخلی، جاری شدن سیل در آذربایجان تا این لحظه بیش از ۴۰ کشته و هزاران آسیب دیده بجا گذاشته است. مرکز اصلی خسارت سیل شهرهای عجب شیر و آذرشهر واقع در آذربایجان شرقی است.

طبق معمول در سایه حکومت شوم جمهوری اسلامی، این بار هم عدم هشدارهای بموقع، عدم اطلاع رسانی و عدم کمک رسانی بموقع از طرف دولت باعث شد تعداد زیادی جان باختند و خسارات سنگینی به زندگی و معیشت مردم وارد شد. این موضوع بشدت در افکار عمومی شهر های آذربایجان منعکس یافته است و همه جا از بی کفایتی مسئولان در برخورد به این فاجعه صحبت میشود.

در دنیای امروز با توجه به پیشرفتهای موجود جوامع بشری به آسانی امکان دارد که این جور

روز جهانی کارگر، اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت نزدیک است. روز جهانی کارگر، روز طرح مطالبات و خواسته هایمان است. خود را برای مراسم های روز جهانی کارگر در سراسر کشور آماده کنیم. خانواده های کارگران، معلمان و پرستاران، خانواده های کارگران بازنشسته، خانواده های کارگران مراکز صنعتی، خانواده های کارگران راه آهن و ماشین سازی ها، لاستیک سازی ها، پتروشیمی ها، نساجی ها، معادن و ساختمان، خانواده های کارگران شاغل و بیکار، کارگران سراسر کشور:

۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر روز شما است. روز اتحاد همه کارگران است. در هر شهری متحد و یکپارچه به خیابان بیاوید، خواست های خود را با صدای بلند مطرح کنید و توجه مردم شهر و همبستگی آنها را به خواست های بحق خود جلب کنید.

خانواده های کارگران فولاد اهواز و مخابرات و آتش نشانی، خانواده های کارگران ذوب آهن و آلومینیوم المهدی، خانواده های کارگران پارسیلون و معدن آهن بافق، ایران ترانسفو و روغن نباتی زنجان، ماشین سازی هپکو و صنایع آذر آب و آرنگان اراک، خانواده های کارگران شازند و لوله صفا و پروفیل ساوه، خانواده های کارگران کنتورسازی البرز و کارخانه های فرنگ و نازنخ و مه نخ، کارگران و خانواده های کارگری در سراسر کشور

سعی خواهند کرد به نام کمک به مردم از ثروت جامعه بیشتر بزدند. باید به بی مسئولیتی دولت در قبال این خانواده ها اعتراض کرد. باید متحد و یکپارچه به دولت و مسئولین فشار آورد که تمام خسارات وارد شده به مردم را جبران کند. باید خانواده هائی که نان آورشان را از دست داده اند تماما مورد حمایت بیمه ای قرار گیرند.

مبارزات شکوهمند و پرشوری را در سال گذشته و سالهای گذشته پشت سر گذاشته اید و روزها و هفته ها در اعتصاب و تجمع بوده اید. ۱۱ اردیبهشت روز شما است. روز همه کارگرانی است که مورد اجحاف و ظلم و ستم و استعمار قرار گرفته اند. روز اتحاد کلیه خانواده های کارگری است. دست دوست و همسایه را بگیرید و مراسم باشکوهی در مراکز شهرها برپا دارید. با نقل و شیرینی از مردم پذیرایی کنید و آنها را به صفوف خود دعوت کنید. جشن بگیرید و شادی کنید. بگذارید صدای شما را در روز جهانی کارگر همه بشنوند. بگذارید خیابانها مال شما باشد. فضای شهر مال شما باشد.

روز جهانی کارگر، روز اول ماه، روز اتحاد ما، روز آمادگی ما، روز عزم ما برای نشان دادن اتحاد و قدرت ما است. از همین حالا آماده شوید و در ادامه یک سال پر از اعتصاب و تجمع، یکسال پر از راهپیمایی و اعتراض، یک روز جهانی بزرگ و قدرتمند در تک تک شهرها برگزار کنید. این برای آمادگی بیشتر در سالی که وارد آن شده ایم حیاتی است.

زنده باد اول ماه، ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ فروردین ۱۳۹۶، ۱۸ آوریل ۲۰۱۷

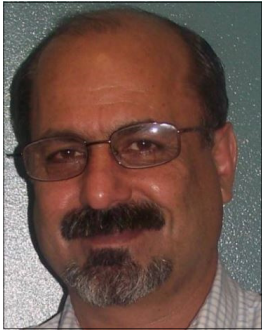
باید برای بازماندگان حادثه مقرری برای يك زندگی در خور انسان تعیین گردد. نباید این خانواده ها را تنها گذاشت. باید این خواستهها را با اعتراض متحدانه به مسئولین حکومتی تحمیل کرد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۶ برابر با ۱۵ آوریل ۲۰۱۷

فراندم تغییرات در قانون اساسی ترکیه

زمینه ها و عواقب سیاسی

گفتگو با محسن ابراهیمی



تلاش کرده است از ظرفیت کم بدیل اسلام برای سرکوب جامعه استفاده کند اما هر بار با شکست مواجه شده است. به خاطر بیابورید که چگونه ممنوعیت بوسه در مجامع عمومی با تظاهرات بوسه علنی مواجه شد! چگونه ممنوعیت آجیو خوری در بیرون از کافه ها با تظاهرات آجیو خوری در ملاء عام مواجه شد! و چگونه لایحه ممنوعیت ظاهر شدن زنان باردار در خیابانها با آنچنان اعتراض قدرتمندی مواجه شد که مجبور شدند از پنجره بیرون ببرند و دیگر صدایش را در نیاورند. در یک جمله باید گفت که دست بردن حزب حاکم به ابزارهای اسلامی همیشه به ضد خودش تبدیل شده است و به جای رفع بحران خود بحران زا بوده است.

۳- به این باید شکافهای درون حکومتی میان باندهای مختلف اسلام "معتدل و میانه رو و مدرن" را اضافه کرد که زیر فشار شکافهای اجتماعی، طبقاتی، سیاسی و فرهنگی میان حکومت و اکثریت قابل توجهی از جامعه شکل گرفته است. کشمکش باند مرتجع اسلامی میلیادری به نام فتح الله گولن و دار و دسته اردوغان بر این مبنا قابل درک است. این یک جدال درون طبقاتی بر سر ثروت، قدرت و نحوه اداره جامعه یا به عبارت درستتر نحوه اعمال اراده و حاکمیت سرمایه و سرمایه داری بر طبقه کارگر و توده های محروم است که باندهای مختلف سرمایه داری ترکیه را به جان هم انداخته است.

بحران موفقیت در جهان:

حزب اسلامی اردوغان نه فقط از منظر بورژوازی ترکیه بلکه از نظر صاحبان قدرت سرمایه داری در جهان در نقش یک آلترناتیو قابل اتکا برای بحرانهای حکومتی در منطقه مورد توجه قرار گرفت. حزبی بود

ناسیونالیستی شان قادر نبودند یک حکومت یکپارچه و منسجم را برای سرمایه داری ترکیه تامین کنند، حزب اسلامی "عدالت و توسعه" با نسخه جدیدی از اسلام به میدان آمده بود تا پاسخی به بحران سیاسی موجود فراهم کند.

قرار بود حزبی با الگوی اسلام "معتدل" ریاضت اقتصادی بر کارگران تحمیل کند و بر دوش کارگران رشد اقتصادی ترکیه - یعنی سودآوری سرمایه - را تامین کند و رشد تقابل طبقاتی و خطر تنشهای سیاسی را از سر بگذراند. "رشد اقتصادی" تامین شد اما کشمکش سیاسی میان کارگران و توده های محروم و حکومت تعطیل نشد. برای مثال میتوان در کنار اعتراضات گسترده کارگری به مبارزه باشکوه هزاران کارگران تکل (کمپانی تنباکو و الکل) در آنکارا اشاره کرد که در زمستانی سخت در اوج قدرت اردوغان اتفاق افتاد و با حمایت پرشور مردم آنکارا به صحنه بزرگی از رویارویی کارگران با سرمایه داران و دولتشان تبدیل شد. این اتفاق فقط یک جلوه از اوجگیری کشمکش طبقاتی در دوران اردوغان بود.

و همچنین به خاطر بیابورید که چگونه یک تجمع اعتراضی کوچک در گزی پارک در سال ۲۰۱۳ به مبارزه ای بزرگ تبدیل شد. اعتراضی که برای دفاع از محیط زیست شروع شد و به یک رو در رویی بزرگ میان مردم و دولت گسترش پیدا کرد و به تبعیت از الگوی میدان تحریر در مصر، مقاومت و مبارزه میدان تقسیم در ترکیه را خلق کرد.

۲- اگر چه حزب اسلامی اردوغان در متن شکست حزب اسلامی نجم الدین اربکان و با دگرپرسی تاکتیکی به اسلام "معتدل و میانه رو و مدرن" وارد میدان شده بود اما در هر صورت یک حزب اسلامی بوده و هست. این حزب همیشه

انجام شد. ۳- تقسیم جغرافیایی آراء مخالف و موافق هم یک وجه کل این ماجراست که حاکی از شکست حزب حاکم است. در شهرهای بزرگ مثل آنکارا، استانبول، ازمیر، ادنا و استان اتالیا اکثریت به تغییر نه گفتند. این شهرها چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی جایگاه مهمی در تحولات سیاسی ترکیه دارند. آنکارا که مرکز سیاسی کشور است، استانبول هم شهری است که اردوغان موقعیت سیاسی اش به عنوان شهردار را در آنجا شکل داد و تثبیت کرد. آرای این دو شهر از لحاظ وجهه سیاسی او بسیار مهم بودند. شکست اردوغان در این دو شهر بعدا با تظاهرات گسترده اعتراضی به نتایج رای در این دو شهر تکمیل شد.

۴- به این باید تقلب در آراء را اضافه کرد. احزاب مخالف خواهان شمارش بیش از ۶۰ درصد آراء شده اند؛ "دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا" این فراندنم را مغایر با استانداردهای بین المللی اعلام کرد و حتی صحبت از بیش از دو میلیون ورقه رای مهر نشده در صندوقها بود که البته حزب حاکم به هیچکدام اعتنا نکرد.

انترناسیونال: اصولا حزب حاکم چرا و به چه دلایل سیاسی این به اصطلاح فراندنم را در دستور گذاشت؟

محسن ابراهیمی: حزب اردوغان مدتهاست با دو دسته بحران در دو سطح دست و پنجه نرم میکند. بحران حکومتی در داخل و بحران موقعیت در جهان.

بحران حکومتی در داخل:

۱- این بحران در سطح کلی از جنس همان بحرانهایی است که یقه امثال مبارک وین علی را گرفت. در شرایطی که نظامیان با ایندولوژی

پیروز شده است. این ادعا را تا چه حد میتوان واقعی دانست؟ **محسن ابراهیمی:** به معنای رسمی این ادعا درست است. یعنی با کمی بالای ۵۱ درصد حزب حاکم پیروز شده است!

اما بیاید کمی دقیقتر به واقعیت این پیروزی نگاه کنیم. ۱- در یک همه پرسی در رابطه با موضوعی که برای اردوغان و حزبی حیاتی بود پیروزی ۵۱ درصدی به همان اندازه شکست هم هست. علیرغم ارباب و محدودیتها و فشارهای سیاسی و امنیتی به مخالفین هنوز نزدیک نصف شرکت کنندگان به حزب اسلامی حاکم و شخص اردوغان نه گفته اند. اگر فقط به ظاهر نتایج هم نگاه کنیم این در بهترین حالت یک پیروزی همراه با شکست است.

۲- فراندنم قانون اساسی در ترکیه حتی از ابتدایی ترین معیارهای یک همه پرسی سیاسی برخوردار نبود. چرا؟ برای اینکه حزب حاکم به هر تاکتیک و حقه بازی و ارباب دست برد تا مخالفین وضع موجود و حزب حاکم را محدود کند. از همان موقع که حزب اردوغان در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۱۵ نتوانست اکثریت کرسیهای مجلس را اشغال کند، اردوغان تاکتیک سازمانیافته نامن کردن جامعه را در پیش گرفت. آغاز حمله به پ.ک.ک و تهاجم نظامی به مناطق جنوب شرقی ترکیه، سلسله بمبیهایی که مردم کوچک و خیابان را به خون میکشیدند و نهایتا کودتای تابستان ۲۰۱۶ همه در خدمت تحمیل این فراندنم کنایی و پیروزی در آن بکار برده شدند. اخراج گسترده و دستگیری و زندانی کردن بیش از ۱۰۰ هزار نفر و بستن تعداد زیادی رسانه جنبه های مختلف سرکوب سیاسی هستند که همه برای تحمیل اصلاحات مورد نظر در قانون اساسی البته از طریق یک فراندنم

انترناسیونال: فراندنم برای تغییراتی در قانون اساسی در ترکیه به پایان رسید و حزب "عدالت و توسعه" اعلام پیروزی کرد. این فراندنم بر سر چی بود؟

محسن ابراهیمی: این فراندنم رسماً بر سر تغییر هیجده بند از قانون اساسی ترکیه بود. تغییراتی که قرار است نظام سیاسی ترکیه را از پارلمانی به ریاست جمهوری تغییر دهد و عملاً هم به تلاش اردوغان برای تمرکز قدرت سیاسی در دستان خود و حزب اسلامی حاکم وجهه و ظاهر قانونی بدهد و هم ابزارهای قانونی برای تمرکز قدرت بیشتر را فراهم کند.

در یک نگاه سریع با تغییرات مورد نظر:

رئیس جمهور حق انحلال پارلمان را دارد؛ در انتصاب اعضای هیئت عالی قضات و دادستانها دست بالا دارد؛ میتوانست از طریق هیئت نظارت دولتی بدون دخالت قوه قضائیه برای افراد پرونده باز کند؛ میتوانست در عین رئیس جمهور بودن رهبر حزب خودش هم باشد و از این طریق در راس فراکسیون حزبی در مجلس قرار گیرد؛ در تلویز و کنترل بوجه نقش تعیین کننده دارد؛ میتوانست راسا برای مقابله با نآآرهای سیاسی وضعیت فوق العاده اعلام کند؛ میتوانست از بالای سر تمام نهادهای قدرت فرمانهای اجرایی صادر کند؛ میتوانست برای دو دوره ۵ ساله در قدرت باشد و در صورت انتخابات زودرس همچنان در پست ریاست جمهوری بماند. می بینیم که با تغییرات مورد نظر حتی استقلال ظاهری سه قوه هم از بین میبرد و قوه مقننه و قضائیه تحت سلطه قوه مجریه قرار میگیرد که آنها خود تماماً تحت سلطه شخص رئیس جمهور است.

انترناسیونال: حزب اسلامی حاکم در ترکیه اعلام کرد در این فراندنم

فراندم تغییرات در قانون اساسی ترکیه ...

از صفحه ۶

برای ایفای نقش آئینتاریو برای رفع بحران اما سرعت خود غرق بحران شد.

اولین ضربه به "اعتبار" جهانی آک پارتی (حزب عدالت و توسعه) از خارج از ترکیه وارد شد. و آن شکست احزاب موسوم به اخوان المسلمین و النهضه در مصر و تونس بود. این احزاب از یکطرف مورد حمایت حزب اردوغان بودند و از طرف دیگر به اسلام حکومتی اردوغان به مثابه الگوی موفق حکومت در منطقه اقتدا میکردند. مردم جهان دیدند که احزاب اسلامی همسنگ آک پارتی در مصر و تونس نه تنها در کنار خواست "نان، آزادی و کرامت انسانی" قرار نگرفتند، نه تنها با قیامهای موسوم به "بهار عربی" همگام نشدند، بلکه در جریان این جنبش با شکوه اول سکوت کردند، بعدا وارد معامله ای کشیف با باندهای قدرت در حال سقوط شدند و بالاخره در لحظه فروپاشی قدرتهای سابق سوار بر موج اعتراض مردم علیه مردم وارد صحنه شدند. و بالاخره اخوان المسلمین مصر با موجه جنبش تمرد در هم کوبیده شد و النهضه تونس اوضاع را پس دید و ناگزیر شد خود را به پشت صحنه بکشد.

به این باید حمایت از داعش و برملا شدن عمق ارتجاع و توحش آک پارتی را اضافه کرد. داعش یکی از متوحش ترین نیروهای اسلام سیاسی در جهان معاصر است. دومین ضربه به موقعیت حزب اردوغان در سطح افکار عمومی جهانی را حمایت دولت ترکیه از داعش وارد کرد. مردم دنیا به چشم خود دیدند که چگونه در لحظاتی که مردم کوبانی در مقابل هجوم داعش مقاومت و مبارزه ای جسورانه را پیش میبردند، باند جانی اردوغان به هر وسیله رذیانه ای متوسل شد تا پیروزی داعش را تضمین کند و البته با کمال خوشحالی مفتضحانه شکست خورد.

یک وجه دیگر موقعیت بحرانی آک پارتی در جهان، تحولات منطقه و شکست پی در پی سیاستهای اردوغان و حزیش است. با توجه به

موقعیت متزلزل بشار اسد، پروژه سیاسی اردوغان این بود که شاخه ها و باندهای وفادار اسلامی در سوریه راه بیاننازد، تقویتشان کند و میداندار کند تا درحلاء سیاسی آتی قدرت را بدست بگیرند و سوریه را به قلمرو نفوذ "مردی قدرتمند" در ترکیه تبدیل کنند و یا حد اقل اردوغان را به یک پای اصلی قدرت منطقه ای تبدیل کنند. نه تنها این اتفاق نیافتاد بلکه با ورود روسیه به صحنه فعلا اردوغان مثل پهلوانی سرگردان میان دو قطب آمریکا و روسیه سرگردان است

اینها زمینه ها و جلوه های متنوع داخلی و جهانی بحران حکومتی بعدا بحران قانون اساسی در ترکیه هستند که شایسته است از آن به عنوان کودتا در لباس فراندیم یاد کنیم.

به طور خلاصه اردوغان به زور و ضرب و سرکوب و توحش سیاسی میخواهد تغییراتی "قانونی" در قانون اساسی وارد کند تا با اتکا به همان قانون اساسی تغییر یافته زور و ضرب و سرکوب و توحش را در جامعه گسترده تر و با اتکا به قانون پیش ببرد. اردوغان میخواهد معضلات حزب و حکومتش را با اتکا به یک دیکتاتوری علنی در لباس قانون حل کند. توجه کنید که درست در لحظات پایکوبی امت هوادارش علاقه اش برای بازگرداندن حکم اعدام را هم اعلام کرد.

انترناسیونال: آیا با این فراندیم قانون اساسی اردوغان و حزیش به اهدافشان میرسند؟

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید اینجا کمی در باره رابطه متقابل قانون اساسی از یکطرف و کشمکشهای واقعی طبقاتی و سیاسی در متن جامعه از طرف دیگر صحبت کنیم. در هر مقطعی از تحولات سیاسی این توازن واقعی قوا در میان طبقات جامعه و جنبشها و احزابشان است که به درجاتی و به انحاء مختلف مهر خود را بر قانون اساسی آن مقطع میزنند. بی دلیل نیست که در هر کشوری با تغییرات بنیادی اوضاع سیاسی اولین چیزی که در دستور قرار

میگیرد تدوین قانون اساسی جدید است. یا حتی بدون تغییرات بنیادی فقط با کم و زیاد شدن و جا بجان شدن وزن سیاسی نیروهای طبقاتی و سیاسی مختلف فوراً یاد اصلاح و تغییر و تعدیل قانون اساسی میافتند.

چنین تلاش سیاسی به خاطر این است که جنبش و حزبی که توانسته باشد در کشمکشهای سیاسی وزن خود را بالا ببرد و مخصوصاً پیش را به ارگانهای قدرت سیاسی باز کند فوراً میخواهد به همان تغییر واقعی در صحنه سیاسی چهره و جلوه قانونی بدهد و این بار از همان قانون برای رسمیت دادن و تثبیت بیشتر موقعیتش استفاده کند. میخواهم تاکید کنم که قانون اساسی نه تنها بیانی از کشمکشها و توازن سیاسی است اما خود هم وجهی از این کشمکشهاست و در آن تاثیر میگذارد.

با این حساب اردوغان با تغییر قانون اساسی همانقدر به اهدافش رسیده است که یک قانون اساسی در چنین مواقعی میتواند نقش ایفا کند. روشن است که الان اهرمهای قانونی بیشتری برای پیش بردن پروژه های سیاسی اش در دست دارد. مخصوصاً میشود گفت که در خشی کردن و ساکت کردن اختلافات و مخالفتهای احزاب درون پارلمانی و حل و فصل دعوای درون حکومتی با توجه به چماق قانون اساسی تغییر یافته دستش باز تر است.

اما تا آنجا که به کشمکش کارگران و ۹۹ درصدیهای زیر فشار و تحت ستم اما معترض با حکومت اردوغان مربوط است فاکتورهای بنیادی تری عمل میکنند که قانون اساسی و تغییراتش در مقابلشان رنگ میبازند.

اگر قوانین اساسی میتوانستند تصویر سیاسی جامعه را یک تنه و یکطرفه تعیین کنند آنگاه حکومتهای سرمایه دار با قوانین اساسیهایشان عمر جاودانه پیدا میکردند. حتما توجه کرده اید که در همه تغییرات بنیادی اول تغییرات در توازن قوا و تغییر در قدرت سیاسی رخ میدهد و آنگاه پای قانون اساسی

جدید به میان میآید. مردم اول نمیروند قانون اساسی را تغییر دهند و راه قانونی برای بریز کشیدن قدرتهای سیاسی را باز کنند و آنگاه قانون این قدرتها به زیر بکشند. پروسه معمولاً برعکس است. حکام در همان حالی بریز کشیده میشوند که قوانین اساسی نظامشان همچنان مورد پاسداری طبقه حاکم است.

در ترکیه هم درست در اوج توهم اردوغان به طلسم قانون اساسی اش، قانون بنیادی و اساسی تر را لحظه به لحظه تقابل و کشمکش طبقاتی و اعتراضی خواهد نوشت. وقتی تعرض به زندگی و معیشت و حرمت میلیونها کارگر همچنان ادامه دارد؛ وقتی اقتصاد نئولیبرالی و رباضت اقتصادی به مهندسی حزب اسلامی حاکم میلیونها کارگر را بلون کوچکترین مامن و امیدی به خیابانها پرتاب میکند؛ وقتی اکثریت عظیمی از مردم یک کشور به "گناه" زاده شدن در یک گوشه کشور و تکلم به زبان کردی به محرومیت و ستم و سرکوب دائمی محکوم میشوند؛ همه چیز برای مصافهای تعطیل ناپذیر میان حکومت پاسدار نظم موجود و کارگران و مردم خواهان نظمی انسانی سرچایش است و این مصاف به اشکال مختلف از هر گوشه ای سربر خواهد آورد. به این اعتبار مصافها حتی حادث تر خواهد شد.

با هر تغییری در قانون اساسی ترکیه کشمکش میان مردم منزجر از حزب اسلامی و رئیس منفورش ادامه خواهد داشت. اضافه کنم که حتی خود این فراندیم قانون اساسی با توجه به شرایطی که در آن برگزار شد نمک بر زخم مردمی پاشید که قبلاً به اندازه کافی زخم خورده اند و درد کشیده اند.

انترناسیونال: معنا و تاثیرات واقعی تحولات ترکیه در ایران چیست؟

محسن ابراهیمی: به دلایل زیادی تحولات ترکیه و ایران متقابلاً روی هم تاثیر گذار هستند. در سطح منطقه ای هر دو - اگر چه از دو کمپ مقابل - بشدت دخیل در کشمکشهای عراق و اوضاع سوریه هستند. در هر دو احزاب و نیروهای اسلامی حاکمند اگر چه به دو شاخه

مختلف اسلام و جنبش اسلامی تعلق دارند. هر دو در عین این تفاوتها در رابطه با سوریه البته به درجات متفاوت با روسیه هستند. جمهوری اسلامی متحد رسمی تر و قدیمی تر استراتژی بشار اسد و پوتین است، اما دولت ترکیه فعلاًم خدا را دارد و هم خرما را. و بالاخره تا آنجا که به مسائل داخلی مربوط است هر دو درگیر شکافها و تشنها و مصافهای جلی سیاسی از طرف اکثریت محروم و معترض جامعه هستند.

با این مقدمه، هر اتفاقی بر سر حزب اسلامی حاکم در ترکیه بیاید از چند نظر بر موقعیت جمهوری اسلامی و جنبشهای اجتماعی ضد جمهوری اسلامی در ایران تاثیر دارد.

اول، تا آنجا که به مردم معترض در ایران برمیگردد،

شکست یا پیروزی آیدنولوژی سیاسی اسلامی حتی در قالب سنی اش در هر نقطه جهان علی العموم شکست یا پیروزی اسلام سیاسی به طور کلی است. به این معنا قاعدتا باید مردم ایران زجر دیده از اسلام و حکومتش از اینکه اردوغان حتی با حقه و نیرنگ و ارعاب ۵۱ درصد آراء به نفع خودش جمع و جور کرد دلگیر باشند اما متقابلاً همینکه با تمام این وضعیت نصف جمعیت نه محکم به سینه اردوغان کوبیدند مایه خوشحالی اکثریت معترض مردم در ایران است. نشان دهنده این است که کمپ معترضین، کمپ مردمی که اسلام و حکومتش با هر شکل و شمایل را نمیخواهند قدرتمند هستند.

از نظر کارگران و اکثریت معترض در ایران، نیروی بزرگی که به رئیس حکومت سرمایه داران در ترکیه نه گفتند متحدشان هستند. آنها همه دیوارهای سرکوب را زیر پا گذاشتند و با رای نه بسیار بالا اجازه نداند رهبر حزب سرمایه داری ترکیه باد در غیغیب بیاننازد و مثلاً بگوید ۹۹ درصد مردم با ما چپاولگران طبقه کارگر هستند. و همچنین از نظر زنان و جوانان منزجر از قوانین اسلامی که مشغول نبردی مداوم با فرهنگ و خرافات اسلامی هستند این جنبش بزرگ نه در فراندیم

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

با اعلام خواسته‌هایمان به استقبال روز جهانی کارگر میرویم

این عنوان بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی به مناسبت روز جهانی کارگر است. بیانیه ای که امضای هفده نفر از زندانیان سیاسی به اسامی سعید ماسوری، بهنام ابراهیم زاده، حسن صادقی، ابراهیم فیروزی، رضا اکبری منفرد، امیر امیرقلی پور، جواد فولادوند، مهدی فراهی شاندیز، شاهین ذوقی تبار، محمد اکرمی، مهدی امیری، عباس توکلی، علیرضا ناصری، رضا کاهه، امیر حسن وند سیار، اسد محمدی، محسن قندهاری را همراه داشت. این بیانیه علاوه بر اعلام حمایت از دیگر قطعنامه‌های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر که فریاد اعتراض کارگران علیه فقر، علیه تبعیض، علیه نابرابری و برای یک زندگی انسانی هستند و با تاکید بر خواست آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی بر خواسته‌های زیر تاکید دارد و در آن چنین آمده است:

"ما از همگان می‌خواهیم که صدای ما را همگانی کنند و از خواسته‌هایمان حمایت کنند. خواسته‌های فوری ما به قرار زیر است:

۱. ما خواستار اعاده دادرسی و باطل شدن پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای خودمان و تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی هستیم.

۲. ما احکام صادر شده زندان برای خودمان و تمامی زندانیان سیاسی را از مصادیق بارز امنیتی کردن مبارزات مردم علیه فقر و فلاکت و برای داشتن یک زندگی شایسته انسان میدانیم و خواستار لغو فوری این احکام هستیم.

۳. ما خواستار پایان دادن به تهدید، فشار، پیگرد و دستگیری فعالین اجتماعی بخاطر مبارزات برحقشان در دفاع از زندگی و معیشت خود

تحت عناوین امنیتی چون "آخلال در نظم و امنیت ملی" هستیم. به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی باید خاتمه یابد. تشکل، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان حقوق پایه ای ماست.

۴. ما خواستار پایان دادن به محاکمات ناعادلانه که هیچ تطابقی با موازین بین المللی ندارد هستیم. دادگاهها در همه جا باید علنی، با حضور هیات منصفه و حق داشتن وکیل باشد. و اینها فقط یک حداقل است. جرم ما دفاع از حقوق انسانهاست و اگر اینها جرم است، با کمال میل برای حضور در یک دادگاه علنی در برابر مردم و با حضور هیات منصفه و داشتن حق وکیل آماده ایم. و در آخر به عنوان یک خواست اضطراری، ما خواستار پایان دادن به وضع نابسامان زندانها، قرار گرفتن تمامی زندانیان بیمار تحت درمان، حق برخورداری از مرخصی و دیدار خانواده و پایان دادن به فشارهای روحی و جسمی در زندانها هستیم.

ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام هستیم." در بخشی از بیانیه هفده زندانی سیاسی به مناسبت روز جهانی کارگر چنین آمده است:

"این صدای اعتراض ما تنها نیست. این صدای اعتراض همه کسانی است که در زندانند. این صدای اعتراض همه کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی است که بخاطر اعتراضاتشان، به دستمزدهای زیر خط فقر، به فقر و فلاکت و بی‌تامینی، به تبعیض و نابرابری، به بی‌حقوقی و نداشتن حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی‌های پایه ای و... تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی و عناوینی از این دست تحت پیگرد قرار میگیرند. دستگیر و زندانی میشوند و با احکام زندانی طولانی‌ترین سالهای زندگی‌شان را در بند بسر میبرند. اعتراض ما زندانیان سیاسی به همه این بی‌حقوقی است. به سیستم ظالمانه دستگاه قضایی

است. به سرکوب اعتراضات ما مردم تحت بهانه‌های امنیتی و محرومیت از پایه‌ای‌ترین آزادی‌ها در سطح جامعه است

و سرانجام در آخر بیانیه اعلام میکند: "ما انتظار بیشترین حمایت از این خواسته‌ها را از شما کارگران، معلمان، مردم معترض و همه نهادهای کارگری در سراسر جهان را داریم."

بیانیه هفده زندانی سیاسی علیه سرکوبها و اعتراض به سیستم ظالمانه دستگاه قضایی، به مناسبت روز جهانی کارگر، گامی مهم در راستای کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کل جامعه است که کارگران و معلمان دو نیروی مهم آن هستند. کارزاری که به گفتمان وسیعی در سطح جامعه تبدیل شده است. کارزاری که در در آستانه اول مه سال گذشته اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان و جعفر عظیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری بیانیه‌اش را دادند و بطور واقعی همانطور که قبلاً نیز اشاره کرده ام به سرفصل جدیدی از اعتراضات کارگری و معلمان تبدیل شد و به پلاتفرمی برای اتحاد مبارزاتی آنان و بخشهای وسیعی از جامعه علیه استعمار و بردگی کاری، علیه ریاضت اقتصادی و تعرضات هر روزه به زندگی و معیشت کارگران و علیه سرکوبها تبدیل گردیده است. و امسال نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران با انتشار بیانیه ای به مناسبت سالگرد آن بر خواسته‌های بیانیه عبدی- عظیم زاده تاکید کرده و با فراخوان به مبارزه متحد برای این خواسته‌ها به استقبال روز جهانی کارگر می‌رود. اتحادیه آزاد کارگران ایران در این بیانیه مشخصاً خواستار آزادی فوری اسماعیل عبدی، همه زندانیان آزادیخواه و عدالتخواه شده است. اعلام چنین فراخوانی یک اقدام سیاسی مهم از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران است که بار دیگر دو صف قدرتمند کارگران و معلمان و نه تنها این بلکه بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و بخش‌های



است که با نپرداختن هزینه درمانی آنان، عملاً کارگران را در محرومیت مطلق از هر نوع امکان درمانی قرار داده است. به عبارت روشنتر امر "خدمات درمانی" کارگران که هزینه اصلی‌اش از جیب خود آنان کسر شده است، به شرکتی خصوصی واگذار شده است و آنها نیز آشکارا پول کارگران را بالا کشیده و به وظیفه خود عمل نمی‌کنند. این موضوع شانزده هزار کارگر بازنشسته ذوب آهن اصفهان را که هزینه درمان بخش بزرگی از چندرغاز دریافتی آنها را می‌بلعد، با معضلی جدی روبرو کرده است. کارگران بازنشسته به این موضوع اعتراض دارند...

بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراضات قبلی خود طی بیانیه ای بر خواست درمان رایگان برای همه تاکید کردند و این خواست همه بازنشستگان و همه مردم است. شانزده هزار بازنشسته ذوب آهن اصفهان همراه با خانواده هایشان نیروی عظیمی هستند که میتوانند با قدرت تمام این خواست را به جلو بیاورند. اول مه روز جهانی کارگر، روز فریاد قدرتمند این خواست مهم سراسری و دیگر خواسته‌هایمان است.

۲۸ فرودین: تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه

صبح روز ۲۸ فروردین حدود صد نفر از معلمان بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کرده و پیگیر خواسته‌هایشان شدند. این چندمین بار در ماهها و هفته‌های جاری است که معلمان بازنشسته مقابل مجلس و دیگر مراکز دولتی تجمعات اعتراضی برگزار می‌کنند. معلمان بازنشسته در تجمعات قبلی با شعارهایی چون

گسترده ای از جامعه را کنار هم قرار میدهد. این بیانیه در کنار بیانیه ۱۷ زندانی سیاسی با تاکید بر کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، گام مهمی برای رفتن بسوی برگزاری یک اول مه اجتماعی و قدرتمند است. با حمایت وسیع از خواسته‌های ۱۷ زندانی سیاسی به مناسبت روز جهانی کارگر و با پیوستن به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران به مبارزه متحد برای خواسته‌های بیانیه مشترک عظیم زاده - عبدی، به استقبال اول مه برویم. یک شعار مهم ما کارگران برای تحقق این خواست در روز جهانی کارگر، شعار آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی است که باید بر پلاکاردهایمان در این روز نقش بندد و بند مهمی از قطعنامه‌هایمان باشد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان ذوب آهن اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی

یک خبر مهم در هفته ای که گذشت تجمع اعتراضی بیش از صد نفر از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی در بیست و نهم فروردین است. به گفته بازنشستگان از دو سال پیش که صندوق بازنشستگی فولاد به "وزارت رفاه" محول شده است، تمديد دفترچه‌های درمانی آنان با مشکل روبرو شده و در عمل صندوق بازنشستگی زیر بار پرداخت هزینه‌های درمانی آنان نمی‌رود. بدین ترتیب ۱۶ هزار بازنشسته ذوب آهن اصفهان حتی از همان امکان بشدت ناچیز و زیر استاندارد درمانی صندوق بازنشستگی نیز محرومند. بنا بر خبرها شرکت سلامت بهداشت و درمان صنعت و معدن نوین (شسید) ارائه دهنده "خدمات درمانی" به بازنشستگان ذوب آهن

جرم آتنا دائمی، دفاع از آزادیخواهی و انسانیت آتنا دائمی شایسته وسیعترین حمایت هاست

شهلا دانشفر

آتنا دائمی يك فعال عليه اعدام، عليه تبعیض بر زن و مدافع حقوق كودك است. او در نوشته ای قبل از دستگیری اش در مورد علت محكومیتش به هفت سال زندان تحت عنوان "ممنوع الخروج، اعتراض دارم، شکایت دارم، چنین مینویسد:" من به اعدام اعتراض کردم، به کشتار در کویانی و سوریه اعتراض کردم، به رهبر جنایات "کهریزک" را یادآوری کردم، من به هفت سال زندان محکومم، اما...

آتنا در بیانیه ای در مهرماه ۹۵ به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام از اینکه بخاطر مخالفتش با حکام اعدام هفت سال حکم گرفته است، سخن میگوید و با فریاد همچنان میگویم نه به اعدام، چنین مینویسد:

"با یاد تمام عزیزانی که در طول این سی و چند سال جان خود را از طریق اعدام از دست داده اند همچنان می گویم نه به اعدام. فراموش نکنیم که اعدام بازدارنده ارتکاب جرم نیست! اعدام يك زندانی اعدام خاموش خانواده او نیز هست! چند روز دیگر سالگرد اعدام ریحانه جباری ست، دو شب پیش دفتر خاطرات او در دستم بود و میخواندم، باورم نمیشد دیگر نیست، باورم نمیشد آن همه امید به زندگی در يك لحظه و با طناب دار تمام شد... امشب مجددا نامه ای که حامد احمدی برایم نوشته بود خواندم و مجدد گردنبنند شهرام احمدی را در دستمان نگه داشتیم دیگر زنده نمی شوند و من میسوزم که نتوانستم برایشان کاری کنم. یاد شهرام و بهرام احمدی، حامد احمدی، ریحانه جباری، محسن امیر اصلانی، شیرکو معارفی، احسان فتاحی، فرزاد کمانگر، شیرین

علم هلوئی، برادران دهقانی، غلامرضا خسروی... گرامی. و فراموش نکنیم که در دولت آقای روحانی رکورد اجرا و صدور احکام اعدام ثبت شد و هنوز نزدیک به سی نفر با اتهامات محاربه و سب النبی محکوم به اعدام هستند."

آتنا دائمی همچنین يك فعال عليه تبعیض بر زن است. از جمله او در بیانیه ای در اعتراض به گذاشتن شرط حجاب برای برگزاری مسابقات شطرنج جهانی زنان در ایران در سال گذشته بیانیه ای منتشر کرد که امضای بسیاری از فعالین دفاع از حقوق زن را در پی داشت. اعتراضی که به کارزاری علیه سیاست تفکیک جنسیتی در عرصه ورزش زنان تبدیل شد. او در بخشی از این بیانیه که خطابش به فدراسیون بین المللی شطرنج زنان بود چنین مینویسد: "تن دادن به قانون حجاب اجباری نفی حق انتخاب آزاد همه زنان دنیا از جمله زنان ایرانی خواهد بود. در طی ۳۷ سال گذشته زنان بسیاری به دلیل عدم تبعیت از قوانین حجاب اجباری که از پوشاندن موی سر تا رنگ لباس را در بر می گرفته مورد انواع خشونت ها برخورد های خیابانی، بازداشت ها، شلاق ها، حبس ها و جریمه های نقدی قرار گرفته اند... و بعد ادامه داده و مینویسد: "از شما درخواست میکنم که نسبت به تضییع حقوق زنان دنیا از جمله میلیون ها زن ایرانی بی تفاوت نباشید. این سرکوب را تحت عنوان تفاوت های فرهنگی و احترام به فرهنگ ما توجیه نکنید و از میزبان مسابقات بخواهید تا شرایط برگزاری مسابقات طبق استاندارد های بین المللی را در ایران فراهم کند. ما مردم ایران خواهان تحمیل يك قانون تبعیض آمیز به هیچ يك از زنان دنیا نیستیم و زور و اجبار

جزء فرهنگ ملت ما نیست. به همین دلیل هم خواهان برگزاری مسابقات شطرنج در کشورمان هستیم و هم خواهان تسلیم نشدن در برابر قانونی که حجاب را به تمام زنان دنیا تحمیل می کند. از شما میخواهیم چنانچه شرایط بین المللی میزبانی ایران فراهم نشد حضور پر افتخار ورزشکاران کشورمان را در کشوری دیگر فراهم کنید".

بدین ترتیب آتنا صدای اعتراض همه زنان و مردان مبارزی است که به تبعیض جنسیتی اعتراض دارند و علیه حجاب ایستاده و خواستار آزادی و يك زندگی انسانی هستند.

آتنا دائمی به علاوه يك فعال دفاع از حقوق كودك است. "معصومه نعمتی" مادر "آتنا دائمی" در هشتمین روز اعتصاب غذای دخترش، طی فراخوانی به همگان از این وجه از چهره مبارزاتی آتنا سخن میگوید و میخواهد که صدای آتنای او باشیم. او مینویسد:

"هشتمین روز اعتصاب غذای دخترم آتنای من باشید! دخترم آتنا از نوجوانی دغدغه دیگران و مشکلات جامعه را داشت وقتی مدرسه اش تمام شد وارد جمعه شد یکی از دغدغه هایش کمک به کودکان بی سرپرست بود و سعی میکرد از نظر مالی کمکشان کند با اینکه شرایط مالی خانواده مان متوسط بود.

برای همین سرپرستی ۵ كودك را پذیرفت و برایشان تلاش میکرد. و برای کمکهای بیشتر به نمایشگاههای "همت عالی" رفت و در آنجا با موضوع کودکان کار آشنا شد و بعنوان فعال حقوق كودكان كار شروع بكار کرد

با دوستانش هر هفته به پارک

صفحه ۸

صدای آتنا دائمی باشیم!



آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق كودك، جنبش عليه اعدام و عليه تبعیض به زنان است. آتنا با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، توهین به خمینی و خامنه ای و اختفای ادله جرم» «ابتدا به ۱۴ سال زندان محکوم شده بود و سپس این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ۷ سال تقلیل یافت. آتنا ساعت هشت صبح روز ششم آذر ۹۵، توسط ماموران قرارگاه شارالله سپاه پاسداران در خانه اش بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. او طی بیانیه ای از زندان به صدور حکم زندان برای خواهرانش انسبیه و هانیه دائمی، که در واقع به منظور تحت فشار گذاشتن روحی و روانی آتنا محکوم شده اند اعتراض کرده و دست به اعتصاب غذا زده است. آتنا در این بیانیه نوشته است:

"هر از گاهی از گوشه و کنار دنیا می شنویم که تعدادی جنایتکار یا تروریست مردم را به گروگان میگیرند تا به اهدافشان که انتقام گیری یا کسب ثروت است دست یابند اما در ایران برعکس همه جا این مجریان قانون هستند که مردم، اموالشان و خانواده های زندانی سیاسی را به گروگان می گیرند تا در جامعه با ایجاد رعب و وحشت و خفقان به خواسته شان که بقای خود است، برسند..."

آتنا قبل از محکومیت ممنوع الخروج شده بود. او در اعتراض به این حکم می نویسد:

"ممنوع الخروج، اعتراض دارم، شکایت دارم. نه دستور به قتل زهرا کاظمی داده ام، نه دستور به ضرب و شتم و کشته شدن سه تن در کهریزک، نه در اختلاس و گم شدن پرونده ها در تامین اجتماعی نقش داشتم و نه قاضی بوده ام که هزاران نفر را در بی عدالتی به حبس و اعدام محکوم کنم! من به اعدام اعتراض کردم به کشتار در کویانی و سوریه اعتراض کردم، به رهبر جنایات "کهریزک" را یادآوری کردم، من به هفت سال زندان محکومم اما "قاضی مرتضوی" به چند ضربه شلاق که "کی زده و کی خورده؟! من نه قاری قرآن بودم و نه متجاوز اما شانزده ماه در زندان بودم

تا بازجویی شوم، تا دادگاهی شوم و پرونده ام خیلی زود پیگیری شد، محکومم کردند به هفت سال حبس و من ممنوع الخروج!

امثال مرتضوی و طوسی راحت از کشور خارج میشوند اما من اگر به هر دلیلی قصد خروج از کشور داشته باشم باید پانصد و پنجاه میلیون وثیقه ام را امثال "قاضی مرتضوی" ضبط کنند، به نفع چه کسی و در جیب چه کسی برود نمیدانم اما من ممنوع الخروجم. نتوانستم در این مورد خاص سکوت کنم. ممنوع الخروج ها شما هم اعتراض کنید به این همه بی عدالتی!

اعتراض آتنا دائمی بطور واقعی اعتراض به دستگاه قضایی و سیستم سرکوب آن است و این صدای اعتراض همه مردم است. با حمایت گسترده از مبارزات آتنا و از خواسته هایش به او اطمینان دهیم، که همراهش هستیم و از آتنا بخواهیم که اعتصاب غذایش را خاتمه دهد.

"معصومه نعمتی" مادر آتنا در هشتمین روز اعتصاب غذای دخترش که از ۱۹ فروردین شروع شده است، از مبارزات فرزندش سخن گفته و به مردم فراخوان داده است که "صدای آتنای من باشید".

با حمایت وسیع خود از آتنا دائمی و خواسته ها و مبارزاتش، به فراخوان مادر وی فعالانه پاسخ دهیم. احکام صادر شده برای خواهران آتنا انسبیه و هانیه دائمی باید لغو و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان بسته شود. فشار و تهدید از روی خانواده آتنا باید برداشته شود و آتنا دائمی و کلیه زندانیان سیاسی و فعالین اجتماعی فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فروردین ۱۳۹۶،
۱۷ آوریل ۲۰۱۷

آتنا دائمی، صدای آزادیخواهی و انسانی

از صفحه ۷

اعتراض به صدور حکم زندان برای خواهرانش اولتیماتوم به اعتصاب داد. او در بیانیه اش چنین مینویسد: "هر از گاهی از گوشه و کنار دنیا می شنویم که تعدادی جنایتکار یا تروریست مردم را به گروگان میگیرند تا به اهدافشان که انتقام گیری یا کسب ثروت است دست یابند. اما در ایران برعکس همه جا این مجریان قانون هستند که مردم، اموالشان و خانواده های زندانی سیاسی را به گروگان می گیرند تا در جامعه با ایجاد رعب و وحشت و خفقان به خواسته شان که بقای خود است، برسند."

نگاهی به گفته ها، نوشته ها و مبارزات آتنا چهره دوست داشتنی او را به روشنی نشان میدهد. آتنا به راستی یک رهبر جنبش برای آزادی و انسانیت است. اعتراض امروز آتنا نیز بطور واقعی اعتراض به دستگاه قضایی و سیستم سرکوب آن است و این صدای اعتراض همه مردم است. آتنا دائمی شایسته وسیعترین حمایت هاست.

آتنا دائمی اکنون در بند زنان اوین در اعتصاب غذا بسر میبرد. وضعیت جسمانی خوبی ندارد. با حمایت گسترده از مبارزات او و از خواسته های انسانی اش، به او اطمینان دهیم که صدای اعتراض وی در همه جا و در سطح جهان هستیم و از او بخوایم که به اعتصاب غذایش خاتمه دهد.

مادر آتنا دائمی بعد از ملاقاتی که با دخترش در زندان داشته چنین مینویسد: "بعد از ملاقات دیروز بیتاب تر و بیقرارتر شدم. فکر می کردم به داد دخترم می رسند فکر می کردم الان که وقت ادعاها و وعده های آبادی و سامان دادن این مملکت است صدای آتنا را می شنوند!!"

صدای آتنا را می شنوند که هوش و حواس جوانیش، زندگی کودکان کار و خیابان بود و در سر پرشور جوانیش، سودای بهبودی زندگی کودکان کار را داشت حتی

با دستهای خالی!

صدای آتنا را می شنوند که غمش غم کودکی که زیر تیغ اعدام است و شادیش شادی جوانی که نجات یافته بود از چوبه ی دار، به بهانه ی جرم مواد مخدر!

صدای آتنا را می شنوند که تپش قلبش با کوبانی و مقاومتشان و مشتت کوبنده، علیه کشتار و بیرحمی و جنایت داعش و داعشیان!

صدای آتنا را می شنوند که می خواهد ابتدایی ترین حقوق یک شهروند و اینجا زنان، برای انتخاب پوشش را به رسمیت بشناسند!

اما نخیر خبری از مسئولین نیست بیش از اینها سرشان گرم شعارهای تبلیغاتی شان هست و صدای من مادر نگران و پدر غمگین آتنا را نمی شنوند پس رو به همه ی دنیا، رو به همه ی مجامع بین المللی و نهادهای حقوق کودکان و حقوق زنان و حقوق بشر و همه ی رسانه ها که صدای آتنا من باشید. مدام در گوشم بخوانید که الان بخاطر انتخابات زمان مناسبی نیست!

جان دخترم در خطر است صدای دخترم باشید که سکوت در مقابل اعتصاب آتنا بخاطر اعلام برائت و حکم بی دلیل قضایی از خواهرانش ظلم در حق من است! صدای آتنا باشیم."

با حمایت گسترده مان، در کنار این خانواده باشیم و با انعکاس صدای اعتراضشان در سطح جهانی به فراخوان مادر آتنا که چنین همدوش فرزندش برای آزادی و انسانیت می جنگد، پاسخ مثبت و شایسته ای دهیم.

۷ سال حکم صادر شده برای آتنا و احکام زندان برای خواهران وی انسیه و هانیه دائمی باید فوراً لغو شود. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان باید فوراً بسته شود. فشار و تهدید از روی این خانواده باید برداشته شود و آتنا دائمی و تمامی زندانیان سیاسی و فعالین اجتماعی فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، یک خواست مهم در اول مه

میدارد.

بهنام ابراهیم زاده، اسماعیل عبدی، آتنا دائمی، سعید یوزی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان و برای کلیه فعالین اجتماعی چون جعفر عظیم زاده، محمود صالحی، شاپور احسانی راد، عثمان اسماعیلی، محمود بهشتی، علی اکبر باغانی، ابراهیم مددی، رضا شهابی، داود رضوی و... باید مسلود و احکام زندان صادر شما برای آنان باید فوراً لغو شود. حق تشکیل، حق اعتصاب، حق تجمع، آزادی بیان، حق برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و... همه و همه از جمله آزادیهای سیاسی پایه ای در هر جامعه است و حق مسلم تمامی مردم است.

یک شعار مهم ما کارگران در روز جهانی کارگر، شعار آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی است که باید بر پلاکاردهایمان در این روز نقش بندد و بند مهمی از قطعنامه های کارگران باشد.

اول مه روز جهانی کارگر، روز عزم ما برای نشان دادن اتحاد و قدرت ما ست. ما همه کارگران شاغل و بیکار، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، و همه مردم زحمتکش و محروم، زن و مرد به مناسبت روز جهانی کارگر، در تجمعات بزرگ و کوچکمان گرد آییم، جشن بگیریم، و با قطعنامه ها و بیانیه های مشترکمان، یک صدا اعلام کنیم که محرومیت و سرکوب و زندگی زیر خط فقر و این جهنم ضد انسانی و غیر عادلانه را دیگر نمی پذیریم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Free Them Now

شهرلا دانشفر
۲۰ آپریل ۲۰۱۷

اتحادیه آزاد کارگران ایران با انتشار بیانیه ای به مناسبت سالگرد آن بر خواسته های بیانیه عبدی-عظیم زاده تاکید کرده و با خواست آزادی فوری اسماعیل عبدی، بهنام ابراهیم زاده و همه زندانیان آزادیخواه و عدالت طلب و فراخوان کارگران و معلمان به مبارزه ای متحد برای خواسته های اعلام شده در آن بیانیه به استقبال روز جهانی کارگر رفتند.

۱۷ زندانی سیاسی طی بیانیه ای با اسامی سعید ماسوری، بهنام ابراهیم زاده، حسن صادقی، ابراهیم فیروزی، رضا اکبری منفرد، امیر امیرقلی پور، جواد فولاد وند، مهدی فراهی شاننیز، شاهین ذوقی تبار، محمد اکرمی، مهدی امیری، عباس تولکی، علیرضا ناصری، رضا کاهه، امیر حسن وند سیار، اسد محملی، محسن قندهاری، بر کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات تاکید گذاشتند. آنها در این بیانیه اعلام کرده اند که با خواسته هایی چون لغو احکام امنیتی صادر شده زندان برای تمامی زندانیان سیاسی و بسته شدن کامل پرونده های تشکیل شده برای آنان، پایان دادن به تهدید، فشار، پیگرد و دستگیری فعالین اجتماعی بخاطر مبارزات برحقشان در دفاع از زندگی و معیشت خود تحت عناوین امنیتی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی"، خاتمه دادن به امنیتی کردن مبارزات مردم و حق تشکیل، حق تجمع، حق اعتصاب، آزادی بیان به عنوان حقوق پایه ای خود و بالاخره پایان دادن به محاکمات ناعادلانه که هیچ تطابقی با موازین بین المللی ندارد، به استقبال روز جهانی کارگر میروند و از همگان خواستار حمایت و پشتیبانی از خواسته هایشان شده اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تاکید بر فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران و حمایت از خواسته های اعلام شده زندانیان سیاسی، روز جهانی کارگر را گرامی

رفراندم تغییرات در قانون اساسی ترکیه ...

از صفحه ۵

همزمانشان هستند. دوم، تا آنجا که به حکومت اسلامی مربوط است،

دولت ترکیه و دولت جمهوری اسلامی رقبای منطقه ای هستند. ضعف و قدرت همدیگر را مستقیماً به موقعیت خود گره میزنند. نه تنها از تضعیف موقعیت منطقه ای همدیگر خوشحال میشوند بلکه برای آن تلاش هم میکنند. دولت اردوغان کلاً با آمریکا و عربستان و کمپ مقابل جمهوری اسلامی در منطقه تداعی میشود. به این معنا ضعف و قدرت و شکست و پیروزی داخلی و منطقه ای دولت ترکیه برای جمهوری اسلامی مهم است.

به این معنا از منظر جمهوری اسلامی آن جمعیت عظیمی که در رفراندم به اردوغان نه گفتند از یکطرف قدرت اعتراض علیه نظم موجود و حزب اسلامی و ایدئولوژی اسلامیش را تداعی میکند که نگران کننده است. مخصوصاً از این

نظر نگران کننده است که نشاندهنده قدرت صف آزادیخواهی و سکولاریسم در منطقه است. اما از طرف دیگر هر نشانه ای از ضعف حزب حاکم در ترکیه ضعف یک قدرت رقیب منطقه ای است و از این نظر رضایتبخش است. با این حساب میتوان تصور کرد که چگونه سران حکومت اسلامی نسبت به تحولات ترکیه - حال و هوای متناقض روحی - روانی داشته باشند.

به این اعتبار، از نظر جمهوری اسلامی هر دو طرف در این تقابل باید تضعیف شوند. دولت ترکیه به خاطر این که رقیب منطقه ایش است. اکثریت معترض به این دلیل که هر درجه پیشرویانشان در مقابل اسلامیون حاکم در ترکیه نشانه ای از قدرت نیروهای مقابل جنبش اسلامی است. نیروهایی است که رفاه میخواهند، آزادی میخواهند، برابری میخواهند. تبعیض نمیخواهند، دست درازی مذهب به

زندگیشان را نمیخواهند. نیروهایی که در چشم جمهوری اسلامی دشمنانی سرسخت و خطرناک هستند.

انترناسیونال: با توجه به تحولات اخیر، موقعیت چپ، جنبش اعتراضی، جنبشی که خواهان آزادی و برابری و سکولاریسم در ترکیه هست چیست؟

محمدسن ابراهیمی: جنبش اعتراضی در ترکیه آنقدر قوی هست که اجازه نداده یک حزب اسلامی بعد از ۱۴ سال حاکمیت کدهای اسلامی را بر جامعه حاکم کند. این مهم است چون یک وجه مهم کار و بار احزاب اسلامی برای به تمکین کشاندن جامعه سرکوب مذهبی است.

اما باید فرق گذاشت میان چپ به معنای سنتی کلمه و چپ در مقیاس اجتماعی. چپ سنتی و قدیمی ترکیه که شباهتهای زیادی به چپ سنتی و قدیمی ایران دارد نمیتواند نقشی جدی در مقابل اردوغان و حزیش و سرمایه داری

ترکیه ایفا کند. این چپ با تمام احترامی که باید به اهداف و آرزوهای و آرمانهای انسانیش گذاشت، با تمام احترامی که باید به نقش انسانی و جسورانه هر تک تک اعضا و هوادارانش گذاشت، نمیتواند مثل یک آلترناتیو سیاسی در مقابل احزاب سرمایه داری چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون ظاهر شود.

اما چپ اجتماعی یعنی تمام کسانی که تصویرشان از زندگی برابری است، آزادی است، رفاه است، جدایی مذهب از دولت و نهادهای عمومی است، و در کل جامعه آزاد و برابر و مرفه و بدون تبعیض و ستم است در جامعه ترکیه یک گرایش و یک نیروی گسترده است.

چپ به این معنا یک گرایش قوی در میان کارگران، توده های زحمتکش و تحت ستم است که خواهان سهم خود از ثروتی هستند که هر روزه خلق میکنند و بدون تعطیل برایش مبارزه میکنند. در ترکیه فعالین و کارگران چپ و رادیکال یک وجه قدیمی و جاافتاده جنبش کارگری است.

چپ به این معنا در میان زنان و جوانان و دانشجویان و معلمین و سایر نیروهای اجتماعی یک نیروی مهم است.

این چپ وسیع است اما پراکنده است. تحولات اخیر ترکیه اگر برای طبقه سرمایه دار و حزیش اهرمی برای رهایی از بحران حکومتیشان است، باید برای کارگران رادیکال و نیروهای چپ اجتماعی فرصتی برای جمع و جور شدن، متشکل شدن، متحد شدن و نهایتاً سازمانیافتن در یک حزب سیاسی رادیکال باشد. حزبی که با هدف رها کردن کل جامعه از بنیاد نابرابری طبقاتی و اقتصادی و انواع تبعیضات و ستمها یعنی نظام سرمایه داری ظاهر شود. حزبی که برنامه اش کنار زدن حکومت و بدست گرفتن قدرت سیاسی باشد. حزبی که به صدای اکثریت معترض جامعه تبدیل شود. حزبی که این اکثریت را در مصاف بر سر قدرت سیاسی نمایندگی کند. حزبی که این اکثریت را برای مبارزه جهت کسب قدرت سیاسی سازمان دهد. *

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

بازنشستگان همچنان پیگیر خواستههایشان هستند، روز جهانی کارگرفرصت مناسبی است که هزاران بازنشسته با خانواده هایشان به میدان آیند و خواستههایشان را پیگیر شوند. وعده معلمان بازنشسته به تجمع به مناسبت روز جهانی کارگر است.

اول مه روز جهانی کارگر، روز عزم ما برای نشان دادن اتحاد و قدرت ما ست. ما همه کارگران شاغل و بیکار، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، و همه مردم زحمتکش و محروم، زن و مرد به مناسبت روز جهانی کارگر، در تجمعات بزرگ و کوچکمان گرد آییم، جشن بگیریم، و با قطعنامه ها و بیانیه های مشترکمان، یک صدا اعلام کنیم که محرومیت و سرکوب و زندگی زیر خط فقر و این جهنم ضد انسانی و غیر عادلانه را دیگر نمی پذیریم.

خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، بیمه کارآمد، درمان رایگان است، معیشت، منزلت حق مسلم ماست، معلم زندانی آزاد باید گردد صدای اعتراضشان را علیه زندگی زیر خط فقر و امنیتی کردن مبارزاتشان اعلام داشتند. یک خواست فوری معلمان پرداخت مطالبات مزدی آنان از جمله پاداش پایان خدمت، اجرای همتان سازی مستمری ها و ارتقاء خدمات درمانی بیمه تکمیلی است. تجمع بیست و هشتم فروردین معلمان بازنشسته علیرغم تلاشهایی صورت گرفت، که عده ای با کنسل اعلام کردن آن تلاش داشتند مانع برگزاری این حرکت اعتراضی شوند. معلمان بازنشسته تجمع کننده در این روز در مقابل مجلس صدای اعتراض کل معلمان بازنشسته بودند.

اعتراضات هزاران نفره بازنشستگان یک عرصه مهم از اعتراضات سال ۹۵ بوده است.

حمله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به اعتراضات مردم روستای عصرآباد (نهرسراوا)

طبق گزارشهای خبری منتشر شده، صبحگاه امروز پنجشنبه ۳۱ فروردین ماه ۹۶، مردم روستای عصرآباد (نهرسراوا) در ادامه اعتراضاتشان به دفن زباله ها دست به تجمع اعتراضی زدند

نیروهای ویژه نظامی از شهرهای سنندج و مریوان در عملیاتی هماهنگ به منظور جلوگیری از اعتراضات مردم روستای عصرآباد (نهرسراوا) به صفوف معترضین حمله کرده اند.

در اثر درگیری و حمله وحشیانه نیروهای ویژه جمهوری اسلامی تعدادی از آنها دستگیر و ۱۰ نفر زخمی شده اند که وضعیت جسمی

تعدادی از آنها نامناسب و وخیم گزارش شده است.

اسامی تعدادی از زخمیها؛ ۱. اسماعیل عزیزی ۲. محمود رشیدی ۳. علی محمودی و همسرش اسامی دستگیر شدگان؛ ۱- جمال محمودی ۲- سیروان احمدی ۳- خدیجه شریفی

اعتراضات مردم روستای عصرآباد (نهرسراوا) در چند سال گذشته به دفن زباله ها ادامه داشته است. شهرداری مریوان بی توجه به شرایط زیست محیطی این روستا، در ۱۶ سال گذشته اطراف این روستا را بمحل دفن زباله ها تبدیل کرده

است! زخمی شدگان این یورش جنایتکارانه باید رایگان مورد مداوا و معالجه پزشکی قرار گیرند. دستگیر شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم روستای عصرآباد (نهرسراوا) را به ادامه اعتراض تا آزادی دستگیر شدگان، تامین بهداشتی زیست محیطی این روستا و مداوای کامل و رایگان زخمی شدگان فرا میخواند.

۳۱ فروردین ۱۳۹۶

۲۰ آپریل ۲۰۱۷

سوسیالیسم تنها راه نجات

از منجلااب سرمایه داری است!

Free Them Now

Securitizing Workers', Teachers', and the General Public's Protests in Iran should be stopped and any kind of fabrication of charges against them must be cancelled

Free Benam Ebrahim Zadeh, Esmail Abdi and all political prisoners



Shapour Ehsani rad Jafar Azim zadeh Esmail Abdi Behnam Ebrahim Zadeh



Khalil Karimi, Mozafar Saleh Nia, Sharif Saed Panah, Mahmoud Salehi, Osman Esmail



Mamoud Beheshti, Ali Akbar Baghani, Davoud Razavi, Ebrahim Madadi, Atena Daemi

Campaign to Free Failed Workers in Iran

در مورد انتخابات فرانسه

کاظم نیکخواه

محبوبیت بالایی بویژه در میان جوانان برخوردار شده و به ردیف چهارم و بنا به برخی نظر سنجی ها به ردیف سوم صعود کرده است. نظر سنجی ها حاکی از اینست که ملاتشون حدود ۲۰ درصد رای خواهد آورد. اما هنوز ۴۷ درصد مردم تصمیم نگرفته اند و طرفداران ملاتشون امیدوارند که بتوانند در آخرین لحظه با استفاده از پلاتفرم مردمی و چپ ملاتشون و استفاده فعال از رسانه های اجتماعی سهم مهمی از آرای این بخش از مردم را جذب کنند و ملاتشون به پیروزی برسد. این با توجه به رشد سریع محبوبیت ملاتشون امری غیر ممکن نیست اما احتمال نسبتا ضعیفی است.

طبق آخرین نظر سنجی ها برای اول بار مارین لوین که بالاترین رای را داشت به ردیف دوم سقوط کرده است و امانوئل ماکرون رقیب جوان او بالاترین رای را خواهد آورد. اکنون رای ماکرون نزدیک به ۲۳ درصد برآورد میشود و مارین لوین ۲۲ درصد و فرانسوا فیون ۲۰ درصد و ژاک لوک ملاتشون کمی کمتر از ۲۰ درصد.

بنا به این نظر سنجی ها، در دور دوم که انتخابات بین دو نفر با بیشترین رای خواهد بود، ماکرون در برابر لوین قرار خواهد گرفت و او را با ۶۴ درصد در برابر ۳۶ درصد شکست خواهد داد. امانوئل ماکرون کسی است که او را به تونی بلر تشبیه میکنند. راستها ماکرون را چپ میخوانند و چپها او را راست میدانند. او که قبلا در دوره فرانسوا اولاند دو دور تا همین سال ۲۰۱۶ وزیر اقتصاد بوده است، اقدامات و رفرمهایی را به نفع صاحبان سرمایه به اجرا گذاشت که با اعتراضات وسیع کارگران مواجه گردید.

به این ترتیب به احتمال زیاد ماکرون در این انتخابات به یمن نفرت مردم از مارین لوین به پیروزی خواهد رسید و جامعه فرانسه گرچه نفس راحتی از شکست لوین خواهد کشید، اما بلافاصله در برابر اقدامات و سیاستهای ماکرون قطعی تر و بحرانی تر خواهد شد.

هیچ چیز بیش از وضعیت انتخابات های مهم در کشورهای اصلی سرمایه داری نمیتواند بحران کنونی و پایه ای این نظام را جلوی چشم بگذارد. هر انتخاباتی در این ماهها و سالهای اخیر نشان میدهد که در این کشورها جامعه بین چپ و راست شدت قطبی شده است. این برخلاف آنچه ظاهر آن نشان میدهد بدان معنا نیست که نصف مردم نیروهای راست را میخواهند و نصف آنها چپ را. بلکه بیش از هر چیز نشان میدهد که اکثریت عظیم مردم از وضع موجود بسیار زده شده اند. و در جستجوی خلاصی از این اوضاع با سردرگمی به سمت نیروهای غیر متعارف کشیده میشوند.

یکشنبه این هفته ۲۳ آوریل اولین دور انتخابات ریاست جمهوری فرانسه انجام خواهد شد و نتیجه آن بسیار مهم و حیاتی است. اگر هیچکدام از کاندیداها نتوانند حد نصاب لازم برای انتخاب شدن را در دور اول کسب کنند انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد و از میان دو نفر که بالاترین رای را آورده اند یکی انتخاب خواهد شد. ماههاست که انتخابات فرانسه موضوع بحث و نگرانی در سراسر دنیا است. جلو آمدن چهره فاشیست و کثیفی مثل مارین لوین رهبر جبهه ملی فرانسه، نفسها را در سینه حبس کرده است. آیا در ادامه رویدادهای غیر منتظره و ناهنجاری مثل برگسیت در انگلیس و انتخاب ترامپ در آمریکا، خطر روی کار آمدن مارین لوین در فرانسه جدی تر نشده است؟ این سوالی است که تا ماههای اخیر بطور جدی مطرح بود و دنیا را در نگرانی غرق کرده بود. اما اکنون نظر سنجی های پی در پی میگویند به احتمال زیاد لوین گرچه به دور دوم راه خواهد یافت اما در دور دوم قطعاً شکست خواهد خورد.

یک تحول قابل توجه دیگر در انتخابات فرانسه رشد آرای ژاک لوک ملاتشون، کاندیدای چپ افراطی یعنی جبهه چپ و کمونیستهاست. او که خیلی دیر اعلام شرکت در انتخابات را کرد بسرعت از

زنده باد اول مه!

کارگران!

یک اول مه دیگر فرا رسید و ما همچنان زیر سیطره يك اقلیت بی خاصیت و مفتخور بنام طبقه سرمایه دار قرار داریم. يك اول مه دیگر فرا رسید و تولید کنندگان تمام ثروتهای جامعه یعنی کارگران همچنان محروم ترین بخش جامعه اند. ارزان ترین کالا در این جامعه نیروی کار است که بنا به تعریف تنها کالایی است که ظاهراً در اختیار کارگران قرار دارد. اما عملاً حاکمین و پادوهایشان تعیین میکنند که کارگر نیروی بازویش را به چه بهایی یعنی با پرداخت چه میزان مزد در اختیار صاحبان سرمایه قرار دهد. و امسال هم حکومت اسلامی با گستاخی تمام دستمزد يك پنجم خط فقر را برای ما رقم زده است.

کارگران! روز جهانی کارگر اول مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز نمایش قدرت و اتحاد خود علیه حاکمین مفتخور و دزد تبدیل کنید! ما هرجا متحد یا به میدان گذاشته ایم پیروز شده ایم.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

روشن است که انتخابات فرانسه و هیچ انتخابات دیگری در کشورهای سرمایه داری بخودی خود پاسخی برای سولات و خواستها و نارضایتی های اصلی مردم در بر نخواهد داشت. مستقل از اینکه کدامیک از کاندیداهای موجود به قدرت برسند، چشم اندازی برای تحولی مثبت و جدی در آینده جامعه از این انتخابات بیرون نخواهد آمد. نه راست و نه چپ موجود پاسخی به مسائل و سولات اساسی مردم ندارند. بلکه پاسخ واقعی به خواستها و مسائل حیاتی مردم نهایتاً خارج از این انتخابات ها و این نیروها در برابر مردم قرار خواهد گرفت. یعنی مردمی که به انتخابات ها امید می بندند و نا امید میشوند، ناچار میگردند مسیر و افق و نیروهای دیگری را برای دستیابی به امنیت و رفاه و شادی جستجو کنند. زیرا وضع موجود قابل دوام نیست و نیروهایی را میطلبد که بطور جدی بخواهند و بتوانند دست به ریشه بزنند.